

هسته اصلی بازدارندگی دریایی ایران

ایران چطور لینکلن را زیر ضرب می گیرد؟



میراحمدرضا مشرف

پژوهشگر مسائل بین الملل

فراخوان گسترده ناوگان دریایی ایالات متحده به سوی منطقه خاورمیانه و به طور خاص به سوری دریای عمان و خلیج فارس و بالافتن ضربب احتمال یک تقابل همه‌جانبه میان ایالات متحده و ایران، بسیاری از کارشناسان نظامی را بر آن داشته است تا شرایط و نتایج احتمالی این تقابل نظامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. بر همین اساس اندیشکده تخصصی «مطالعات دفاعی امنیتی آسیا» در یکی از جدیدترین مقالاتش به موضوع تقابل ایران و ایالات متحده در حوزه دریایی پرداخته و تلاش کرده است تا با ارزیابی دقیق از داده‌های نظامی موجود، چشم‌اندازی از چگونگی ایسن تقابل و پیامدها و نتایج احتمالی آن ارائه دهد. البته صرف‌نظر از جنبه تخصصی این مقاله و اطلاعاتی که در حوزه نظامی ارائه می‌دهد، بازخوانی بخش‌های عمده‌ای از آن می‌تواند پیش و بیش از همه، دلیل تعلل ایالات متحده در آغاز هر گونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در حوزه دریایی را آشکار کند.

■ ■ ■

■ مبانی دکترین دفاع دریایی ایران

اندیشکده مطالعات دفاعی امنیتی آسیا تحلیل خود از شرایط تقابل دریایی احتمالی میان ایران و ایالات متحده را با خبری از ایران آغاز می‌کند؛ اعزام زیردریایی‌های فاتح و غدیر از سوی ایران به تنگه هرمز که در واقع واکنشی به تشدید حضور دریایی ایالات متحده در منطقه و خلیج فارس بوده است؛ اما اعزام این زیردریایی‌ها به تنگه هرمز و ماهیت واکنش ایران، به لحاظ نظامی چگونه قابل ارزیابی است؟

در این راستا تحلیلگران نظامی اندیشکده، این اقدام را در چهارچوب دکترین نظامی دریایی ایران در خلیج فارس مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از نظر آن‌ها این دکترین دریایی نامتقارن بر چند رکن مهم استوار شده است؛ اکتا بر جنگ زیر آبی برای ایجاد توازن در برابر حجم نیروی دریایی ایالات متحده، بهره‌گیری از سلاح جغرافیا و به چالش کشیدن یک رگدرو باریک و بسیار مهم ۲۱ مایلی که گلرگ‌های مهم برای انرژی (عبوردهنده حدود ۲۰ تا ۲۱ درصد نفت دریایی جهان) و تجارت جهانی است و در نهایت ایجاد یک فشار راهبردی پایدار [جنگ فرسایشی] در راستای تهدید کششیرانی، پیچیده کردن عملیات ناوگان ایالات متحده و تحمیل عدم قطعیت راهبردی بر کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس که اقتصادی به شدت وابسته به صادرات انرژی دارند.

■ ارزیابی کارشناسان غربی از توان دریایی ایران

ارزیابی‌های نظامی بی‌سروصدایی که در غرب انجام گرفته است، وجود نوعی نگرانی را در میان آن‌ها انعکاس می‌دهد. به‌طور مثال بیان این که زیردریایی‌های کلاس غدیر ایران، می‌تواند همسان کاری را انجام دهد که زیردریایی‌های

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

پدیدارشناسی خیانت آمریکا به شورشی‌ها



مانده زمان فشمی

خبرنگار

نشریه فارن پالیسی (Foreign Policy) در مقاله‌ای به بررسی یکی از الگوهای تکرارشونده و بحث‌برانگیز در سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته: «تشویق جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در کشورهای رقیب، بدون تعهد واقعی به حمایت از آن‌ها در لحظه سرنوشت‌ساز». نویسنده این مقاله **سیوا گونیِتسکی** (Seva Gunitsky)، استاد مطالعات صلح و منازعه و دارنده کرسی George Ignatieff در دانشگاه تورنتو است. او همچنین نویسنده کتاب «پس لرزه‌ها: قدرت‌های بزرگ و اصلا‌ح‌ات داخلی در قرن بیستم» است که به بررسی تأثیر قدرت‌های بزرگ بر تحولات داخلی کشورها در قرن بیستم می‌پردازد.

نویسنده با مرور نمونه‌های تاریخی از مجارستان در سال ۱۹۵۶ تا عراق، کردها، سوریه و ایران، نشان می‌دهد که این رفتار نه حاصل اشتباهات موردی، بلکه نتیجه ساختاری دوگانه در سیاست خارجی آمریکاست؛ شکافی پایدار میان آنچه شعارهای اخلاقی خوانده می‌شود و محاسبات راهبردی. گونیِتسکی در این مقاله هم با همان رویکرد تاریخی، تحلیلی، استدلال می‌کند وعده‌های آمریکایی برای حمایت از آزادی‌خواهی، بارها به بهای جان و سرنوشت ملت‌هایی تمام شده که این وعده‌ها را جدی گرفته‌اند.

■ ■ ■

در ۱۵ فوریه ۱۹۹۱، هم‌زمان با بمباران عراق توسط نیروهای ائتلاف در جریان عملیات طوفان مجرا، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، جورج هربرت واکر بوش، خطاب به مردم عراق سخنرانی کرد. او گفت: «راه دیگری هم هست که خورنیزی متوقف شود و آن این است که ارتش عراق و مردم عراق خودشان دست به کار شوند و صدام حسین را کنار بزنند.» هوایمادهای ائتلاف اعلامیه‌های بسز فراز عراق پیش کردند که مردم در فرا می‌خواند: «خیابان‌ها و کوچه‌ها را پر و صدام حسین و دستیارانش را سرنگون کنید.» چند هفته بعد، شیعیان در جنوب عراق و نیروهای کرد در شمال این کشور دست به قیام زدند. در اوج این خیزش، ۱۴ استان از ۱۸ استان عراق از کنترل دولت خارج شده بود و بعد، هیچ، دولت بوش نه تنها هیچ حمایتی ارائه نداد، بلکه فعلاًنه مانع انتقال سلاح‌های به غنیمت گرفته شده ارتش عراق به دست شورشیان شد و به صدام اجازه داد با استفاده از بالگردهای جنگی قیام را سرکوب کند. هرچند پرواز هوایمپادها بال ثابت برای عراق ممنوع شده بود، ژنرال نورمن شوارتسکف اجازه استفاده از بالگردها را داد. بین ۳۰ تا ۶۰ هزار شه‌یعه و حدود ۲۰ هزار کرد کشته شدند. بیش از ۱/۵ میلیون کرد آواره شدند و هزاران نفر بر اثر سرما، بیماری و مین‌های زمینی جان باختند.

دفاع بوش از این ماجرا به طرزی حیرت‌آور و بی‌پروا بود. او چند هفته بعد پرسید: «آیا فکر می‌کنم ایالات متحده باید احساس گناه کند، چون به مردم عراق پیشنهاد داد که خودشان دست به کار شوند و بعضی‌ها این طور القا می‌کنند که این یعنی آمریکارکابورده از نظر نظامی از آن‌ها حمایت کند؟ چنین چیزی درست نیست. ما هرگز چنین القایی نکردیم.» این ادعا با هر خواش معجزی یک دروغ بسود اما همان‌طور که رفتارهای رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، دونالد ترامپ نشان می‌دهد، این ماجرا بخشی از الگوی دیرینه آمریکایی‌هاست. الگوی خیانت و اشنگتن دهه‌ها پیش شکل گرفت.

یو-بوت در جنگ جهانی دوم انجام دادند، می‌تواند مهر تأییدی بر پتانسیل ویرانگر زیردریایی‌های کوچک ایران باشد. کاپیتان ترسیی ای. وینستنت از نیروی دریایی ایالات متحده ادعان می‌کند که زیردریایی‌های کلاس غدیر «قابلیت نظارتی بیشتر و یک لایه دفاعی برای ایران فراهم می‌کنند.» فرمانده دانیل دولان هم تأکید دارد که این زیردریایی‌ها «به خوبی برای اهداف جنگ چریکی، کمین و ضد دسترسی/ ایجاد سد راه ناحیه‌ای، طراحی شده‌اند...» از سوی دیگر برخی دیگر از تحلیلگران نظامی نیز هشدار داده‌اند که شناسایی این زیردریایی‌ها به خصوص هنگام توقف در بستر دریا بسیار دشوار است و با توجه به تعدادشان، می‌توانند برتری تکنولوژیکی دشمن را تحت الشعاع قرار دهند. همه این موارد باعث تقویت این تصور می‌شود که قدرت دریایی ایران برای درگیری‌های پایاپای و متقارن طراحی نشده، بلکه برای «فرسایش فزاینده» در یک «فضای دریایی محدود» برنامهریزی شده است. علاوه بر این تحلیل‌گسران دفاعی تأکید دارند که ایران می‌تواند از این زیردریایی‌ها به صورت انبوه برای شلیک موشک‌ها استفاده کند که به نوعی از بهره‌گیری از تاکتیک اشباح- در برابر دقت- به عنوان منطق اصلی موضع بازدارندگی زیر آبی ایران در خلیج‌فارس و دریای عمان، حکایت دارد.

■ ایران و راهبرد جنگ نامتقارن زیردریا

تحلیلگران اندیشکده مطالعات دفاعی آسیا در این تحلیل به ناوگان زیردریایی ایران و چگونگی عملکرد آن توجهی ویژه نشان می‌دهند. آن‌ها ادعان دارند که ایران در حال‌حاضر یکی از متنوع‌ترین و درعین‌حال پرشمارترین ناوگان‌های زیردریایی خاورمیانه را اداره می‌کند. این ناوگان که تعداد آن حدود ۲۸ تا ۳۰ فروند تخمین زده می‌شود، زیردریایی‌های کلاس کیلو (kilo-class) ساخت روسیه (طارق)، زیردریایی‌های نیمه‌سنگین کلاس فاتح تولید داخل و تقریباً ۲۰ زیردریایی کوچک کلاس غدیر را شامل می‌شود. این نوع ترکیب نکته‌ای مهم را بازتاب می‌دهد؛ انتخاب آگاهانه ساختار نیروی دریایی که کمیت، بهینه‌سازی جغرافیایی و قابلیت بقا را در اولویت قرار داده است. فقدان زیردریایی‌های هسته‌ای با سیستم پیشرانه مستقل از هوا (AIP)-به‌رغم رونمایی از نمونه مجیز به AIP کلاس فاتح- تأثیری بر اثربخشی عملیات ایران در خلیج‌فارس بر جای نگذاشته است، چراکه عمق کم، شوری بالا، ترافیک تجاری متراکم و نویز صوتی شدید در منطقه، بسیاری از مزایای زیردریایی‌های بزرگ و پیشرفته را خنثی می‌کند.

در حالی‌که زیردریایی‌های کلاس کیلوی ایران همچنان به مناطق عمیق‌تر خلیج ودریای عمان محدود هستند، پلنفرم‌های کلاس فاتح و غدیر در راستای تسلط بر ساحل، جنگ مینی، شناسایی و عملیات کمین در آب‌هایی اغلب با عمق کمتر از ۵۰ متر، بهینه‌سازی شده‌اند. این ترکیب نیروها، در واقع رد صریح رقابت متقارن با ایالات متحده و جایگزینی آن با یک معماری دفاعی چند لایه را بازتاب می‌دهد که برای بهره‌گیری از شرایط جغرافیا، برتری عددی و عدم قطعیت در راستای تحمیل هزینه‌های عملیاتی و اقتصادی نامتناصب، طراحی شده است. برنامهریزان نیروی دریایی ایران به‌طور فزاینده‌ای عملیات

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

پدیدارشناسی خیانت آمریکا به شورشی‌ها

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

پدیدارشناسی خیانت آمریکا به شورشی‌ها

در اکتبر ۱۹۵۶، مردم مجارستان در بوداپست به خیابان‌ها آمدند تا به سلطه شوروی پایان دهند. آنچه رخ داد، چند هفته مقاومت الهام‌بخش بود و در عین حال، یک سوء محاسبه فاجعه‌بار درباره نیت آمریکا.

■ دستور ساخت کوکتل مولوتوف برای صرب‌ها

رادیو اروپای آزاد، سال‌ها برای داخل مجارستان برنامه پخش می‌کرد. اگرچه پژوهشگران هنوز بحث می‌کنند که آیا این رادیو صراحتاً وعده مداخله نظامی غرب را داده بود یا نه، اما لحن احساسی برنامه‌ها در جریان قیام، جایی برای ابهام باقی نمی‌گذاشت. نظرسنجی از پناهندگان مجار پس از سرکوب نشان داد نزدیک به ۴۰ درصد آن‌ها باور داشتند رسانه‌های غربی این تصور را ایجاد کرده بودند که آمریکا برای نجات مجارستان وارد جنگ خواهد شد. رادیو اروپای آزاد حتی دستور ساخت کوکتل مولوتوف پخش می‌کرد. همان‌طور که پژوهش مرکز ویلسون نتیجه‌گیری کرد «رسانه‌های غربی ظاهرأ مجرا‌ها را به این باور رسانده بود که ایالات متحده اجازه نخواهد داد انقلاب سرکوب شود.»

شوروی‌ها اجازه دادند شورشیان تصور کنند پیروز شده‌اند، سپس تانک‌ها را وارد کردند. در پایان، ۲۵۰۰ مجار کشته شدند، ۷۰۰ سرباز شوروی جان باختند و ۲۰۰ مجار از کشور گریختند. رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دوايت آيزنهاور، که دگر بحران کانال سوئز بود نمی‌خواست خطر تقابل هسته‌ای را بپذیرد، هیچ کاری نکرد. او بعدها گفت: «ایالات متحده اکنون و هرگز از قیام علنی یک جمعیت بی‌دفاع علیه نیرویی که هیچ شانسى برای غلبه بر آن نداشت، حمایت نکرده است.»

■ مزد اعتماد بازرانی به آمریکایی‌ها

کمتر از دو دهه بعد، هنری کیسینجر معمار خیانتی دیگر شد. در سال ۱۹۷۲، به درخواست شاه ایران، کیسینجر و رئیس‌جمهور وقت، ریچارد نیکسون یک عملیات مخفی برای مسلح کردن و تشویق کردهای عراق به شورش علیه رژیم بعث سازماندهی کردند. طی سه سال بعد، آمریکا ۱۶ میلیون دلار کمک نظامی ارسال کرد، مقداری که برای زنده نگه‌داشتن شورش کافی بود؛ اما عامدانه کمک‌ها آنقدر نبود که شورش به پیروزی برسد. همان‌طور که بعداً کمیته پاک کنگره کشف کرد «رئیس‌جمهور، دکتر کیسینجر و رئیس دولت خارجی امیدوار بودند نیروهای مورد حمایت ما پیروز نشوند. آن‌ها ترجیح می‌دادند شورشیان صرفاً سطحی از درگیری را حفظ کنند که منابع کشور همسایه متحد ما را تحلیل ببرد.»

کردها از این محاسبه سرد خبر نداشتند. مصطفی بارزانی، رهبر کردها، به آمریکایی‌ها اعتماد کامل داشت. اوسه قالی‌و سپس یک گردنبند طلا به عنوان هدیه عروسی برای کیسینجر فرستاد. وقتی شاه ایران در سال ۱۹۷۵ پس از توافقی جداگانه با بغداد ناگهان حمایتش را قطع کرد، کردها غافلگیر شدند. بارزانی در نامه‌ای به کیسینجر نوشت: «عالی‌جناب، ما احساس می‌کنیم ایالات متحده مسئولیتی اخلاقی و سیاسی در قبال مردم ما دارد.» اما هیچ پاسخی دریافت نشد. هزاران کرد کشته شدند و ۲۰۰ هزار نفر به پناهندهی رفتند. وقتی کمیته‌اطلاعات مجلس نمایندگان از کیسینجر درباره این خیانت پرسید، او جمله‌ای گفت که به بیانه ناپلئون رنانالیس سیاسی آمریکا در قبال نیروهای که به جنگ تشویق می‌شد، تبدیل شد: «عملیات ما برای نابود یا کار میلغان مذهبی اشتباه گرفت.» بازرسان کنگره شوکه شدند. کمیته پاک نتیجه گرفت «حتی در چهارچوب عملیات مخفی، اقدام ما یک پروژه کاملاً بدبینانه بود.»

دریایی را با شناورهای تندرو، سامانه‌های هوایی بدون سرنشین، سامانه‌های موشکی ساحلی و واحدهای جنگ الکترونیک ادغام و یک اکوسیستم چند دامنه‌ای را ایجاد کرده‌اند. این ویژگی‌ها دشمنان را در حوزه‌های سطحی، زیر سطحی و الکترومغناطیسی به چالش می‌کشد. در نهایت می‌توان گفت که از نظر راهبردی، نیروی زیردریایی ایران نمایانگر یک سیستم نامتقارن بالغ است که به طور خاص برای منازعه طولانی‌مدت در تنگه هرمز و مسیرهای دریایی اطراف آن طراحی شده است.

■ ویژگی‌های زیردریایی‌های کلاس فاتح و غدیر

این نکته‌ای درخور تأمل است که تحلیلگران نظامی اندیشکده مطالعات دفاعی امنیتی آسیا به توانایی‌ها و ظرفیت‌های دو زیردریایی بومی ایران یعنی فاتح و غدیر نگاه ویژه‌ای نشان می‌دهند.

الف) زیردریایی کلاس فاتح؛ گامی مهم و تکاملی در زیردریایی‌های بومی ایران به شمار می‌آید. شکاف بین زیردریای‌های کوچک و قایق‌های تهاجمی بزرگ را پر می‌کند و درعین‌حال انعطاف‌پذیری عملیاتی فوق‌العاده‌ای را برای تنگه‌هرمز و خلیج‌عمان ارائه می‌دهد. از ظرفیت جابه‌جایی تقریبی ۵۹۳ تن در زیر آب، طول ۴۸ متر و مداومت حرکتی ۳۵ روز برخوردار است. سرعت ۱۴ گره دریایی در زیر آب و عمق آزمایشی تخمین‌زده شده ۲۰۰ تا ۲۵۰ متر از دیگر ویژگی‌های آن است که نشان از بقاپذیری خوب آن در برابر تهدیدات ضد زیردریایی در آب‌های کم عمق دارد. به لحاظ تسلیحاتی از ۴ و بنابر برخی گزارش‌ها از ۶ لوله اژدر ۵۳۳ میلیمتری که قادر به پرتاب اژدرهای سنگینی چون والفجر برخوردار است. توانایی در استقرار موشک‌های ضد کروز کشتی با برد ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر (پوششی تا عمق خلیج‌عمان) و همچنین قابلیت استقرار ۸ مین زیر دریایی از دیگر ویژگی‌های تسلیحاتی این زیردریایی به شمار می‌آید. در مجموع و در ارتباط بسا تنگه هرمز، زیر دریایی‌های کلاس فاتح به ایران امکان می‌دهد تا قدرت پنهان‌کاری، استقامت و حمله از راه دور را در یک پلنفرم واحد بهینه شده برای تشدید تنش، ترکیب کند.

ب) زیردریایی کلاس غدیر؛ مستون فقرات عددی نیروهای زیر سطحی ایران را تشکیل می‌دهد. ظرفیت تقریبی ۱۱۷ تن در سطح آب و ۱۲۵ تن در زیر آب، طول ۲۹ متر و خدمه ۷ نفر؛ همگی ویژگی‌هایی هستند که برای چابکی، پنهان‌کاری و استقرار سریع بهینه شده‌اند. تسلیحات شامل دو لوله اژدر افکنس ۵۳۳ میلیمتری و اژدرهایی با قدرت تخریب بالا علیه شناورهای سطحی و زیردریایی، توانایی شلیک موشک‌های کروز زیر آبی مانند جاسک با برد درگیری ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلومتر، قابلیت مین‌گذاری، توانایی استقرار نیروهای ویژه از جمله غواصان رزمی و تیم‌های خرابکار. اندازه کوچک این زیردریایی باعث می‌شود تا بتواند در بستر دریا مستقر شده، از سطوح بالای نویز محیطی بهره‌برداری کرده و از شناسایی توسط سیستم‌های پیشرفته بهینه شده برای آب‌های کم عمق بگریزد. در مجموع و از نظر عملیاتی، زیردریایی‌های کلاس غدیر از این قابلیت برخوردارند که

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

پدیدارشناسی خیانت آمریکا به شورشی‌ها

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

■ حمایت از کردهای سوریه

خیانت به کردهای سوریه

این الگو با نظمی ملال‌آور ادامه یافته است. در سوریه، دولت باراک اوباما فقط آنقدر به مخالفان کمک کرد که جنگ داخلی بدون نتیجه ادامه یابد و سپس در سال ۲۰۱۳، زمانی که خط قرمز استفاده از سلاح شیمیایی نقض شد، از اقدامش عقب‌نشینی کرد. در اکتبر ۲۰۱۹، ترامپ پس از یک تماس تلفنی با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، ناگهان نیروهای آمریکایی را از شمال شرق سوریه خارج کرد و عملأ چراغ سبز حمله ترکیه به همان نیرو‌های کردی را داد که اصلی‌ترین متحد زمینی آمریکا در جنگ با داعش بودند. کردها بیش از ۱۱ هزار کشته‌شد در این نبرد آمده بودند، زیر بمباران و توپخانه ترکیه‌ها شدند. هنگام خروج کاروان‌های آمریکایی، غیرنظامیان کرد به آن‌ها سبز پجات فاسد پرتاب کردند. روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: ترامپ به ما خیانت کرد.

چه چیزی این الگوی تکرار‌شونده را توضیح می‌دهد؟ تفسیر خوش‌بینانه این است که این‌ها مجموعه‌ای از اشتباهات موردی‌اند: خطاهای تاکتیکی رؤسای جمهور مختلف که با بحران تشدید شدند. اما تداوم این الگو در طول دهه‌ها و دولت‌های گوناگون نشان می‌دهد که مسئله ساختاری است.

■ سخنان آمریکا را جدی نگیرید

سیاست خارجی آمریکا بر دو مسیر حرکت می‌کند که به‌ندرت به هم می‌رسند. مسیر خطایی که بر آزادی، حق تعیین سرنوشت و همبستگی با مبارزان علیه استبداد تأکید دارد، اهداف سیاسی داخلی را تأمین می‌کند و بازتاب تعهدات ایدئولوژیکی است که در هویت ملی آمریکا ریشه دارد. مسیر راهبردی اما بر منافع سیاسی، محاسبات ریسک و محدودیت‌های سخت قدرت استوار است. رؤسای‌جمهور در مسیر اول، سخن می‌گویند و در مسیر دوم عمل می‌کنند. کسانی که سخنان آمریکا را جدی می‌گیرند، گاه جدلی‌تر از خود آمریکایی‌ها در شکاف میان این دو مسیر سقوط می‌کنند.

■ چرا تشویق به نارضایتی؟

تشویق نارضایتی در کشورهای رقیب برای آمریکایی‌ها ارزان است؛ هزینه مالی اندکی دارد، خون آمریکایی ریخته نمی‌شود و برای دشمنان دردسر ایجاد می‌کند، درحالی‌که سیاستمداران آمریکایی می‌توانند احساس برتری اخلاقی داشته باشند. اما حمایت واقعی از این جنبش‌ها پرهزینه است. نتیجه، مجموعه‌ای معیوب از انگیزه‌هاست که در آن مقامات برطوطراق حرف می‌زنند و حداقلی عمل می‌کنند. وقتی لحظه تصمیم می‌رسد، ناگهان دلایل فوری پیدا می‌شود که چرا این قیام خاص را نمی‌توان حمایت کرد.

احتمال بدبینانه‌تری هم وجود دارد، همان چیزی که در سخنان کیسینجر نهفته بود که حتی نیازی به ریاکاری ندارد. قیام‌هایی که سرکوب می‌شوند هم می‌توانند به منافع آمریکا خدمت کنند: با تحلیل بردن دشمنان، بی‌اعتبار کردن رژیم‌های رقیب و کشته‌سازی. با این منطق، شکست وعده‌های آمریکا نه یک پیام ناخوaste، بلکه بخشی از خود راهبرد است.

و این ما را به ایران می‌رساند. با گسترش اعتراض‌ها در هفته‌های اخیر، ترامپ با مردم تهاجمی همگی خود را ولایت نشان داد. او در تفرقه‌وشال نوشت: «اگر ایران به معترضان سالمات آمیز شلیک کند و آن‌ها را به‌طور خوشن‌آمیز بکشد، ایالات متحده آمریکا به کمک آن‌ها خواهد آمد. ما آماده‌ایم.» چندروز بعد، درحالی‌که شماری کشته شده بودند، از ایرانیان خواست به اعتراض ادامه

تنگه هرمز را به یک میدان نبرد پر مناقشه تبدیل کنند که در آن عدم قطعیت در نتیجه، خود می‌تواند به سلاحی کارآمد تبدیل شود.

■ دکترین عملیاتی ایران

در خلیج فارس و تنگه هرمز

در اینجا کارشناسان نظامی اندیشکده به دنبال تبیین دکترین عملیاتی ایران در صورت وقوع هروگنه جنگی در دریا هستند. بر اساس دیدگاه آن‌ها، چنین دکترینی بر کمین ساحلی، مین‌گذاری و ناپدید شدن سریع اتکا دارد. این دکترین با شرایط جغرافیایی خلیج‌فارس هماهنگی دارد و درعین‌حال قابلیت بقا را به حداکثر می‌رساند. در چهارچوب این دکترین، زیردریایی‌ها در مخفیگاه‌های ساحلی مستقر شده و حملات غافلگیرانه اژدری یا موشکی علیه اهداف با ارزش بالا انجام می‌دهند. جنگ مین یکی دیگر از ارکان این دکترین است که ترافیک دریایی را مسدود و یا هدایت کرده و عملیات پاکسازی طولانی‌مدت و پرهزینه را بر دشمنان تحمیل می‌کند. از سوی دیگر امکان ورود نیروهای ویژه از طریق زیردریایی‌های کلاس غدیر، جنبه جنگ ترکیبی را بر این قابلیت‌ها اضافه کرده و عملیات خرابکارانه را ممکن می‌سازد. چنین تحرکاتی در واقع مرز بین درگیری‌های دریایی و نامنظم را کمرنگ می‌کند. این دکترین بر فرسایش تدریجی تأکید دارد که در آن اقدامات مکرر و با شدت کم، زمینه تحمیل هزینه‌های اقتصادی و سیاسی فرانده‌ای را بر دشمن مهیا می‌سازد. در نهایت هدف ایران بستن دائمی تنگه‌هرمز نیست، بلکه حفظ توانایی‌های قابل اعتماد برای مختل کردن فعالیت آن به میزان دلخواه است. با این کار ایران خود را به عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در هر سناریویی از تشدید تنش منطقه‌ای، معرفی خواهد کرد.

■ پیامدهای راهبردی و جهانی

قابلیت‌های دریایی ایران

در نهایت تحلیلگران مطالعات دفاعی امنیتی آسیا تمرکز خود را بر پیامدهای این قابلیت‌های دریایی ایران قرار می‌دهند؛ در جایی که آن‌ها باور دارند که استقرار زیردریایی‌های ایرانی فاتح و غدیر در تنگه‌هرمز، ریسک‌پذیری را در بازارهای جهانی انرژی به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهد که در آن هر گونه حادثه، حتی جزئی، می‌تواند باعث نوسانات قیمت و اختلال در زنجیره تأمین شود. نیروی دریایی ایالات متحده و متحدانش با چالش‌های مداوم‌سی در زمینه جنگ زیردریایی در آب‌های کم عمق و با پیچیدگی‌های صوتی مواجه خواهند شد و این امر خطر عملیات در طول بحران‌ها را دو چندان خواهد کرد. بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان سعودی، امارت متحده عربی و اسرائیل مجبور خواهند بود که تهدیدات زیر دریا را در برنامه‌ریزی امنیت دریایی خود قرار دهند. از نظر راهبردی، استقرار زیردریایی‌های ایران، قابلیت این کشور را برای تأثیرگذاری بر محاسبات امنیت انرژی تحت‌تقویت می‌کند. در این شرایط تنگه‌هرمز همچنان یکی از مهم‌ترین نقاط حساس در استراتژی دریایی مدرن باقی خواهد ماند.

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

پدیدارشناسی خیانت آمریکا به شورشی‌ها

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

فرمول تکراری یانکی‌ها؛ساماندهی و رهاسازی

دهند و نهادهای مختلف را تصرف کنند!! و اعلام کرد که کمک در راه است. اوباما در سال ۲۰۰۹ در جریان جنبش سبز ایران عمداً عقب نشست، با این استدلال که حمایت آمریکا فقط به مقامات ایران، بهانه سرکوب می‌دهد. او بعدها این تصمیم را اشتباه خواند. ترامپ چنین ملاحظاتی ندارد، اما رویکرد او پرسش‌های دیگری ایجاد می‌کند. از یک نظر، ترامپ نمایانگر فروپاشی همان نظام دو مسیره است: سخنانش به راهبرد تبدیلی می‌شود با دست‌کم شکاف روشنی میان آن‌ها وجود ندارد. او هرچه به ذهنش می‌رسد می‌گوید، بی‌اعتنا به پیامدها یا منافع ملی. اما این الزاماً او را قابل اعتمادتر نمی‌کند. شاید فقط به این معناست که الگوی قدیمی تشویق و سپس رها کردن، سریع‌تر و آشفت‌تر تکرار خواهد شد. همین حالا تحلیلگران می‌گویند که هر اقدام نظامی آمریکا احتمالاً متوجه تاسیسات هسته‌ای یا زیرساخت‌های نظامی ایران خواهد بود، نه کمک واقعی به معترضان در خیابان. به گفته یکی از کارشناسان ایران، حمله به سایت‌های هسته‌ای به آمریکا کمک می‌کند، شاید در راستای اهداف راهبردی‌اش یا منافع متحدانی مثل اسرائیل، اما به جنبش‌های اعتراضی کمک نمی‌کند. نکته دیگری هم هست که ترامپ را متمایز می‌کند. خیانت‌های حساب‌شده آیزنهاور، کیسینجر و بوش از احتیاطی بیش از حد ناشی می‌شد. آن‌ها دقیقاً می‌دانستند خط قرمز کجاست و برای پرهیز از جنگ هسته‌ای بی‌ثباتی منطقه‌ای از آن عبور نمی‌کردند. خطر در رویکرد کنونی ترامپ نسبت‌به ایران فقط این نیست که مسیر خطایی و راهبردی در هم ادغام شده‌اند، بلکه این است که شاید اصلاً مسیر راهبردی وجود نداشته باشد. خیانت ترامپ اگر رخ دهد، نه از محاسبه سرد کیسینجر، بلکه از هوس، حواس پرتی یا چرخشی معامله‌محور ناشی خواهد شد. برای قربانیان، نتیجه یکی است. اما برای ناظران سیاست آمریکا، سازوکار شکست متفاوت است: یکی بی‌رحمی کارآمد است، دیگری بی‌کفایتی آشوبناک.

این به آن معنا نیست که آمریکا باید از تشویق کسانی که با حکومت‌هایشان می‌جنگند، دست بکشد؛ اما نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران آمریکایی باید

در باره فاصله میان حرف و عمل صادق باشند و کسانی که وعده‌های آمریکا را می‌شنوند، باید عمیقاً نسبت به ماهیت آنچه عرضه می‌شود، تردید داشته باشند. کردها این درس را بارها و بارها طی یک قرن آموخته‌اند.

■ چرا از کردهای عراق حمایت کردیم؟

در مورد قربانیان سال ۱۹۹۱، آن‌ها سرانجام پاسخ خود را گرفتند. وقتی کالین پاول که در زمان جنگ خلیج‌فارس رئیس ستاد مشترک ارتش بود، در سال ۱۹۹۶ خاطراتش را منتشر کرد، پذیرفت که هدف که سخنان بوش ممکن است به شورشیان دلگرمی داده باشد. او همچنین فاش کرد متفکران راهبردی آمریکا در آن زمان واقعاً چه می‌اندیشیدند: «هدف واقعی، به گفته او، این بود که در بغداد آنقدر قدرت باقی بماند که به عنوان تهدیدی علیه ایرانی عمل کند که همچنان به شدت با ایالات متحده دشمن بود.»

همان‌طور که اعتراف صریح پاول نشان می‌دهد، آزادی کسانی که سخنان بوش را جدی گرفتند هرگز هدف اصلی نبود. تشویق آن آزادی‌ها، بخشی از راهبردی بدبینانه بود و درس این ماجرا فقط برای کردها یا ایرانیان نیست که بدبین باشند، بلکه برای مردم آمریکا هم هست که فریب اخلاق‌گرایی رؤسای‌جمهور خود را نخورند. مردم ایران که امروز به سخنان ترامپ گوش می‌دهند، این عده‌های آمریکایی را پیش‌تر شنیده‌اند. اینکه آیا ترامپ واقعاً گسستی از این الگوست یا فقط تازه‌ترین و بی‌ثبات‌ترین تجلی آن، هنوز مشخص نیست.

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

چهارشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۴



چهارشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۴



شماره ۴۶۱۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان

فرهنگ‌یگان